

خیلی از کشورهای دنیا، حتی در کشورهایی که مبتنی بر نظام سرمایه‌داری است، عملکرد تعاونی‌ها فوق‌العاده است. دو سه سال پیش همایش یک هفته‌ای در اجلاس‌ای با عنوان «تعاونی‌های حوزه آسیا و اقیانوسیه» در تهران داشتیم، واقعاً می‌دیدید در خیلی از کشورهایی که تابع الگوی سرمایه‌داری هستند تعاونی چقدر موفق بوده است، به شرط اینکه به اصولش پایبند باشند، این الآن در کشور ما نیست.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: نکته دیگر در صحبت‌های شما درباره واگذاری‌ها بود. تعارض منافع مدیران مرتبط با حوزه واگذاری‌ها چقدر در عدم تحقق سیاست‌های بخش تعاونی دخالت داشته است؟

دولت چسبندگی بیش از اندازه به شرکت‌های زیان‌ده خود دارد. این واقعیت هست که شرکت دولتی زیرمجموعه‌اش است و پاسخگویی هم ندارد. شرکت زیان‌ده است و هیئت مدیره پاداش می‌گیرد! به همین دلیل ما ندیده‌ایم در دولت این ذهنیت باشد که شرکت‌های زیرمجموعه‌ام باری بردوش من هستند و هر سال باید به مراجع نظارتی از جمله مجلس یا سایر نهادهای نظارتی جواب بدهم که چرا زیان‌ده هستند. اگر این نظام پاسخگویی وجود داشته باشد، مدیر دولتی باید هر روز به مجلس برود، یا نزد نهادهای نظارتی که چرا این زیان‌ده است؛ اما وقتی هیچ‌وقت جوابگو نبوده و پاسخگویی‌ها صوری بوده است، چسبندگی وجود دارد و وقتی حیاط خلوت برای خودش هم باشد، تعارض منافع به وجود می‌آید.

دلیلش ضعف در آن نظام پاسخگویی در حوزه اقتصاد است که مثلاً آقای وزیر ذیل شما ۱۰ شرکت وجود دارد که ۹ شرکت زیان‌ده هستند. بیایید جواب پس بدهید! وزیر می‌گوید من می‌خواهم سیاست‌گذاری و نظارت کنم. اینکه کار تصدی‌گری است. قانون هم به من اجازه داده که از شرش خلاص شوم و به اهلس بدهم، پس

سریع‌تر این کار را می‌کنم؛ اما شما می‌بینید این چسبندگی وجود دارد.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی: برسیم به راهکار؛ نکته مهم اینکه آیا تحقق سیاست‌ها دشوار نیست؟ اینکه ۲۵ درصد به‌عنوان یک هدف در نظر گرفته بشود، آن هم در دوره چهار پنج ساله، امری ممکن است؟ آیا راهکار الآن بازنگری در سیاست‌ها نیست؟

۲۵ درصد نقطه بهینه است؛ اما اینکه آیا این قابل دستیابی هست یا نه؛ من می‌گویم از روز اول سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که سهم بخش تعاون بین پنج تا هفت درصد بود و الآن شش تا هشت است، بعد گفتند ۸۰ درصد اقتصاد دولتی است و دولت باید بیاورد بر اساس وظایف کلاسیک خودش، مثلاً روی ۲۰-۳۰ درصد، آن طوری اگر نگاه کنید سهم ۲۵ درصد سهم زیادی برای یکی از بخش‌های اصلی اقتصاد نبوده، اما اینکه چرا نشده است و چه کار باید کنید من اولاً می‌گویم به قانون اجرای اصل ۴۴ و سیاست‌های کلی و قانون پایبند باشیم. این موضوع باید در بین کارگزاران اتفاق بیفتد، همان‌طور که حضرت آقا در سخنرانی اشاره کردند، آن باوری که ایشان دارند مجموعه اجرایی کشور هم این باور را داشته باشد. این‌ها در اینکه این موضوع اجرا نشود تضاد منافع دارند؛ اما اگر پاسخگویی وجود داشته باشد وضعیت به گونه دیگری خواهد بود.

نباید انتظار داشت با آورده شخصی جهشی در اقتصاد انجام شود

ما مطالعه‌ای انجام دادیم برای بحث تأمین مالی شرکت‌های تعاونی که تأمین مالی شما از چه طریقی است. بالغ بر ۵۰ درصد جواب دادند که ما برای سرمایه در گردش، یا فعالیت‌های توسعه‌ای‌مان فقط بر آورده شخصی تکیه داریم. این آورده شخصی محدودیت دارد. شما نباید

انتظار داشته باشید با این آورده شخصی جهشی در اقتصاد اتفاق بیفتد. مثلاً در صنعت برق، باید بانک، تأمین مالی خارجی، بازار سرمایه به کمک بیایند که این شرکت‌ها توانمند شوند کارهای بزرگی انجام بدهند. این در بحث توانمندسازی شرکت‌های تعاونی در قانون هم اشاره شده است. ابزارهایی هم مثل ماده ۲۹ قانون که گفته از محل واگذاری‌ها بخشی برای این‌ها داده شود. در همین موضوع هم بانکی به اسم «بانک توسعه تعاون» برآیمان در نظر گرفتند که بانک توسعه‌ای است؛ بانک توسعه‌ای با بانک تجاری خیلی فرق می‌کند. در همه جای دنیا بانک توسعه‌ای از محل پولی که دولت کمک می‌کند با نرخ‌های ترجیحی به مردم وام می‌دهد. این بانک توسعه تعاون اما دقیقاً مثل بانک‌های تجاری با ما برخورد می‌کند، همان درصد سودی را می‌دهد که بانک‌های تجاری می‌دهند؛ یعنی اصلاً انگارانه‌نگار یک بانک توسعه‌ای و دولتی است! یعنی برای کمک به این شرکت‌ها اتفاقی نیفتاده است.

در موضوع رقابت‌پذیری و اینکه شرکت‌ها بتوانند در پروژه‌های مختلف ورود پیدا کنند، اکنون رقابت‌پذیری نیست. ما واقعاً توان و ظرفیت رقابت با خصولتی‌ها را نداریم. به اعتقاد من اگر همین چند ابزاری که در سیاست‌های کلی و قانون بود اجرا شود تغییر ایجاد خواهد شد. به همین دلیل همیشه در ارتباطی که با مجلس داشته‌ایم گفته‌ایم شما به جای اینکه قانون جدیدی برای ما بنویسید، نظارتان را تقویت کنید.

اعتقاد این است که اگر ما روی موضوع اجرای قانون متمرکز شویم، شاید بالای ۸۰ درصد آن هدف‌گذاری‌ها محقق شود، هرچند که وجود گیرقانونی تردیدناپذیر است؛ اما الآن غالب مشکل ما این است که آنچه مصوب شده اجرا نمی‌شود و این مصیبتی است که داریم.